

نگاه روز

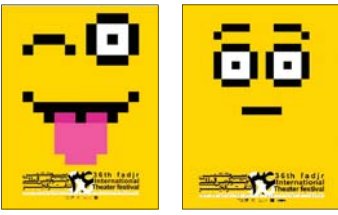
درباره پوستر جشنواره سی‌وششم تئاتر فجر

لبخند بزین هنرمند



علیرضا امیرحاجبی

● آنچه به شکلی کوتاه می‌نویسم، حاصل دو خبر اصلی و فرعی درباره پوستری است که سیامک فیلی‌زاده، هنرمند معاصر ایرانی، برای جشنواره تئاتر فجر طراحی و ارائه داده است. خبر اول خود طراحی و بازگشت فیلی‌زاده به عرصه گرافیک است که حسی بنیانیی را در من ایجاد کرد. عبور فیلی‌زاده از حوزه گرافیک، دست او را تمام‌معنا باز کرد تا بتواند حوزه‌های دیگری را بیازماید. همین فراوری از گرافیک باعث پدیدآمدن مجموعه‌های بسیار نفیس و تأثیرگذاری شد؛ تاحدی‌که موزه‌های معاصر جهان خواستار خرید آثار او شدند و خریدند آنچه را که باید می‌خریدند. عبور از گرافیک از این‌زاویه به نفع او و نیز به سود هنر معاصر ایران تمام شد. تجربه‌های هنری فیلی‌زاده نوعی پوست‌اندازی از یک سو و از سمت دیگر، خوانش رزیزبنانه‌اش از موقعیت ایران و فرهنگ معاصر ایرانی بود؛ تجربه‌هایی که به اشکال مختلف ارائه شد. او زبان بصری خود را هرچند متنبوع، فیلی‌زاده به عرصه گرافیک با نوعی سریچی از قواعد عرفی در گرافیک ایران همراه بود. او با عبور از گرافیک و بازگشت به آن، تغییری را نشان داد که هر هنرمندی باید آن را تجربه کند. عبور از قواعد عرفی و رسمی و درعین‌حال نگاه معاصر و نه نگاه معطوف به بازار. اگر هنرمند شجاعت داشته باشد و این الزامات را



درک کند، می‌تواند ردپایی از خود در عرصه جامعه برجای گذارد و اگر نه به فهرست صدها و صدها هنرمند می‌بایه می‌پیوندد. پوستر امسال جشنواره تئاتر فجر مصداق همین درک موقعیت‌ها و الزامات است؛ پوستری ساده که هم معاصریون را متذکر می‌شود و هم زندگی روزمره را به طنز و کنایه نقد می‌کند و هم آیکونی معاصر را از قالب و زمینه خود خارج و به زمینه (کانتکست) دیگری می‌برد. این انتقال کار سخت و شجاعانه‌ای است. ای‌موجی‌ها یا همان صورتک‌های طراحی‌شده در فضای مجازی که همواره آنها را در فضا و کادر کوچک در دست‌مان می‌بینیم، ناگهان تبدیل به آیکون و پوستر یک فستیوال هنری می‌شود. هنرمند در اینجا به‌طور واضحی از زندگی روزمره می‌گوید و نیز از تغییرات بنیادین ارتباطات بشری، اندوه و شادی‌هایمان را با صورتک‌ها نشان می‌دهیم. مگر نه اینکه تئاتر هنری است بازتاب‌دهنده موقعیت جوامع و انسان؟ مگر نه اینکه هر آنچه در جامعه می‌گذرد، در هنر به اشکال مختلف بازتاب می‌یابد؟ چه چیز را هر روز و شب در ذهن و دیده‌هایمان بازتولید و تکرار می‌کنیم؟ ارتباطات چگونه شکل می‌گیرد؟ فیلی‌زاده پاسخ‌ها را می‌داند (همکان می‌داند) و به بهترین شکل آنها را بیان می‌کند (همه نمی‌توانند). شاید یکی از کارهای هنرمند، همین باشد؛ یافتن و بیان صحیح موضوع و نه فراتر از آن. اما خبر دوم حملاتی بود که به این پوستر شده که حاکی از موفقیت تلاش هنرمند است. فیلی‌زاده درست به هدف زده است! گفته‌اند توین تئاتر است؛ هیچ ردی از استهزا و توهین در آن دیده و اثر وجود ندارد. اگر هست، طنزی است نقادانه و بُرنده که حقیقت را آشکار می‌کند. آشکارشدن حقیقت و موقعیت انسان امروزی برای خود انسان، ناراحت‌کننده است؛ درست مانند آشکارشدن را ادیپ شهریار، ما در بند صورتک‌ها و تمثیل‌های قراردادی هستیم و تئاتر می‌تواند این صورتک‌ها را به‌مثابه نماد امروزیین بشریت نشانمان دهد. با دیدن این نماد در ابعاد بزرگ، واضح است ناراحت می‌شویم. از صورتک‌های یونانی تراژیک، از ماسک‌های ژاپنی در کابوکی و کاتاکالی هندی این چنین سقوط کرده‌ایم. منتقدان هم می‌دانند که فیلی‌زاده درست می‌گوید، درست به نمایش گذاشته و درست ارائه کرده است؛ اما بالاخره باید مخالفت کنند تا هویت بیابند. گویا هویت ما در نه گفتن ماست.

جاری

اروند میزبان «تجلی اراده ملی» جشنواره فیلم فجر

● **گروه هنر:** مراسم اختتامیه بخش «تجلی اراده ملی» سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به میزبانی منطقه آزاد اروند در آبادان و خرمشهر برگزار خواهد شد. مراسم اختتامیه بخش «تجلی اراده ملی» در آبادان برگزار خواهد شد و معاونت فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد اروند و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اروند بعد از پایان جشنواره فیلم فجر میزبان سینماگران و داوران بخش تجلی اراده ملی خواهد بود. این مراسم عصر سوم اسفندماه در آبادان برگزار خواهد شد.

امثال من سال‌ها طول می‌کشد تا بتوانند بسازند

گروه هنر: علی ژکان که سال گذشته در سکوت خبری تازه‌ترین اثر سینمایی‌اش را کلید زد، امسال برای حضور در جشنواره سی‌وششم فیلم فجر با فیلم «اولین امضا برای رعنا» ثبت‌نام کرد. فیلم درباره زندگی نویسنده‌ای است که در شرایط امروز جامعه زندگی و کارش به تصویر درآمده است. ژکان برای این فیلم از چهره‌ها استفاده نکرده و به سراغ بازیگرانی رفته است که با حال‌وهوای داستان تناسب داشته باشند؛ اما تازه‌ترین اثر سینمایی ژکان در فهرست انتخابی هیئت داوران این دوره از جشنواره موجود نیست و به‌عبارتی کنار گذاشته شده است. فیلم متفاوتی که به نظر کارگردان طبیعی‌ترین انتخاب برای هر جشنواره‌ای است؛ زیرا با هدف طرح ارزش‌های سینمایی ساخته شده است. ژکان در گفت‌وگو با «شرق» از انتقادش به نحوه برگزاری سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر صحبت کرد که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

شما نسبت به چگونگی برگزاری جشنواره سی‌وششم فجر نقد دارید؟

بله، همان‌طور که همه می‌دانیم، جشنواره فیلم فجر در کنار جشنواره موسیقی و تئاتر به مناسبت پیروزی نظام جمهوری اسلامی تشکیل شد و به اجرا درآمد و همه این جشنواره‌ها با یک هدف معین که همان برگزاری جشن پیروزی نظام جدید است تا به امروز برگزار شده است؛ بنابراین ماهیت این جشنواره‌ها یک جشنواره ناستی و موضوعی است که مأموریتش به‌نمایش‌درآوردن دستاوردهای یک سال سینمای کشور است؛ در نتیجه اساسا ما با یک برگزاری نمایشگاه سروکار داریم؛ نه یک فستیوال رقابتی مثل فستیوال‌های جهانی.

به نظر شما جشنواره نمی‌تواند رقابتی باشد؟

چرا می‌تواند؛ چنانچه در ادوار گذشته بخش رقابتی آن نیز به اجرا درمی‌آمد. صحبت بر سر ماهیت جشن‌گونه جشنواره است. فرض کنید مثل جشن خرمین در شکل روستایی آن به عبارتی دستاوردهای تولیدکنندگان با هدف حمایت از آنها و ارتقای کنی و کیفی سینمای ملی در بخش‌های دیگر به نمایش درمی‌آمد؛ حتی در دوره‌هایی درجه‌بندی فیلم‌ها و نوبت‌دهی به اکران آنها صورت می‌گرفت؛ اما امسال ناگهان شورای سیاست‌گذاری جشنواره فیلم فجر تصمیم به محدودکردن آن می‌گیرد. تصمیم بر جرسته‌کردن رقابتی جشنواره می‌گیرد و صحبت از ارزش‌های سینمایی و هنری می‌کند و فیلم‌های بسیاری را از گردونه نمایش حذف می‌کند. آن هم از سوی جشنواره‌ای که کاملا دولتی است و مأموریت ذاتی‌اش نمایش شکوه و جلال تولیدات یک‌ساله سینمای کشور است. این همان تناقضی است که من به آن انتقاد دارم.

گروه هنر: زمانی که شبکه سه سیما پس از سال‌ها برنامه‌ای را مختص سینمای ایران راهی آنتن تلویزیون کرد، برای بسیاری از اهالی سینما تریبونی که بتوان در آن از مسائل صنفی و تخصصی سینما حرف زد و بتوان با مخاطب میلیونی رسانه ملی صحبت کرد، خوشایند بود. هرچند که این برنامه در میانه‌های راه دچار حواشی و فرازوفرودهای بسیاری شد، اما به زعم بسیاری از سینماگران، وجود این برنامه اتفاق مثبتی بود که جای خالی‌اش حس می‌شود. از آخرین‌باری که بهروز افخمی و گروه‌ش از برنامه «هفت» خداحافظی کردند، گمانه‌زنی‌های بسیاری مبنی‌بر اینکه آیا این برنامه بار دیگر آغاز خواهد شد و چه کسی اجرای آن را عهده‌دار می‌شود، به میان آمد؛ از فرزند حسنی

گروه هنر: حوزه خیابانی یکی از شش قسمت تعریف‌شده در بخش خارج از صحنه (افاستیج) سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است که در این بخش ۱۷ نمایش اجرا می‌شوند. در متن پیش‌رو، ۱۷ حوزه خیابانی که از شهرهای تهران، لاهجان، میروان، سندرچ، ایلام، مشهد، بروجرد، یزد، آبادان، رشت و رودسر به جشنواره راه یافته‌اند، معرفی می‌شوند.

یک سوءتفاهم کوچک: این نمایش به نویسندگی، طراحی و کارگردانی امیر رحب‌پور، یکی از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره انتخاب شده. همه‌چیز از یک پیامک شروع شد؛ پیامکی که در آن نوشته بود حقوق شهروندی را نوشتم و لطفاً بروید مطالعه کنید....

ترخش تفکیک: این نمایش به نویسندگی حسن حامد و کارگردانی شیدا خانزاده، یکی دیگر از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره انتخاب شده است. در خلاصه داستان این اثر آمده است: اپی درختی و داریوش موشه، به‌خاطر مصرف بیش از حد مواد و آلوده‌کردن محیط زیست به کما رفته‌اند و میان زمین و آسمان گرفتار شده‌اند و...

جاده قیصران: این نمایش به نویسندگی و کارگردانی مشترک شهریار بهاری و علی رضایپورجعفری یکی دیگر از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره انتخاب شده است. درویش، روح یک انسان مرده را در بند و زنجیر به میان مردم می‌آورد و از او می‌خواهد داستان مرگ خود را تعریف کند و در این میان همسرش که مشغول جای‌فروختن است، وارد ماجرا می‌شود...

جنگ زیر پوست: این نمایش با نویسندگی مشترک امین جوکار و بهنام کاوه و با کارگردانی بهنام کاوه، دیگر اثری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره انتخاب شده است؛ داستان واقعی «امین جوکار» که پدر و مادرش در زمان جنگ به‌عنوان پرستار در جبهه‌های جنگ مشغول خدمت بوده‌اند. این دو دچار بیماری کال می‌شوند و موقع بازگشت به خانه نمی‌توانند بچه خود را بغل کنند و مجبورند از او دوری کنند. این خاطره تلخ در ذهن امین مانده است و مسبب این اتفاق را جنگ می‌داند.

صادره از اروند(خین): این نمایش با نویسندگی و کارگردانی مشترک فرامرز غلامیان و هیام احمدی تولید

و برای اجرا در این دوره از جشنواره انتخاب شده است. این نمایش از زبان اروندرود روایت می‌شود که به شکل

هنر

گفت‌وگو با علی ژکان

امثال من سال‌ها طول می‌کشد تا بتوانند فیلمی بسازند

توضیحی وجود ندارد، جز به فرموده و اراده و میل مدیران!

بالاخره به نظر شما ما با چه جور جشنواره‌ای طرف هستیم؟

همان‌طور که دبیر محترم جشنواره در مصاحبه‌های خود گفته است، تمام تلاش‌شان این بوده که بی‌حاشیه‌ترین فیلم‌ها را داشته باشند؛ یعنی ما با جشنواره‌ای طرف هستیم که نمی‌خواهد هیچ شهامتی از خود نشان دهد.

مگر فیلم شما حاشیه‌ساز است؟

نمی‌دانم، فکر می‌کنم شاید به نظر آقایان این‌طور رسیده؛ چون در دو‌گونه‌ای که بیشترین فیلم‌های جشنواره را تشکیل داده‌اند، نمی‌گنجد.

منظوران چه جور فیلم‌هایی است؟

فیلم‌های ژانر جنگی و تجاری.

مگر این گونه‌های سینمایی اشکال دارد؟

وقتی مسئولان صحبت از تنوع آثار و گونه‌های متفاوت سینمایی می‌کنند، طبیعی به نظر نمی‌رسد که فیلم‌های جنگی ارگانی و آثار طنز بیشترین رقم فیلم‌های انتخاب‌شده را تشکیل دهد.

یعنی به خاطر اینکه فیلم شما نه جنگی و نه تجاری است، انتخاب نشده؟

حتما روزی داوران دلایلش را توضیح خواهند داد؛ اما امروزه متأسفانه فیلم‌هایی با شعار سینمای تجاری آن هم به معنای سخیف آن سینمای ایران را قبضه کرده است و سالن‌های سینما را در اختیار دارد. اوضاع به گونه‌ای شده که ساخت فیلم‌های هنری تبدیل به یک اتهام شده است.

شما با فاصله زیادی از ساخته‌های قبلی به سراغ «اولین امضا برای رعنا» رفته‌اید.

امثال من سال‌ها طول می‌کشد تا بتوانند فیلمی بسازند. کسانی که آبرو و اعتبار سینمای بعد از انقلاب مدیون آنهاست، وقتی هم بالاخره موفق به ساخت اثری می‌شویم، با تبعیض و نابرابری مواجه می‌شویم. در همین جشنواره امسال با وجود ضوابط و مقرراتی که خودشان گذاشته‌اند، دو فیلمی که سال گذشته در هیئت انتخاب دیده شده و چند نفر از اعضای آن هیئت در رسانه‌ها اعلام کرده‌اند این دو فیلم را دیده‌ایم و رای نداده‌ایم، انتخاب می‌شوند یا چند فیلمی که هنوز فیلم‌برداری آنها به اتمام نرسیده یا به‌طور ناقص تحویل هیئت انتخاب شده، رای می‌آورند. خودشان مقررات جشنواره را تعیین می‌کنند. خودشان هم آن را رعایت نمی‌کنند. رفتارهایی از این دست امثال من را به گوشه‌گیری و انزوا می‌کشاند؛ اما من مانند گذشته ایمان دارم داور نهایی مردم‌اند. اگر فیلم من حقی داشته باشد، مانند گذشته از سویی فرهیختگان سینما و مردم به حقتش خواهد رسید. فقط باید منتظر بمانیم.

بنابراین شما با رقابتی‌بودن جشنواره مشکلی ندارید؟

اصلا و ابدا؛ اما همین برجسته‌کردن حالت رقابتی جشنواره امسال با اصول جهانی آن در تعارض است.

یعنی چه، منظورتان چیست؟

دبیر جشنواره مدیرکل اداره نظارت و ارزشیابی است و در رأس شورای سیاست‌گذاری آن ریاست محترم سازمان سینمایی کشور نشسته است. تیم اعضای هیئت انتخاب از فعالان دولتی هستند و هیچ‌کدام سابقه سینمایی معتبر و قابل اعتنا در هنر سینما ندارند. هیچ افق و چشم‌اندازی هم از هویت جشنواره رقابتی در دست نیست و هیچ‌کس نمی‌داند با چه‌جور جشنواره‌ای سروکار دارد. چه ارزش‌های هنری و سینمایی مدنظر هیئت انتخاب و دبیر آن است. قرار است این جشنواره چه تأثیری در سینمای ملی داشته باشد، چه چیزی را می‌خواهد ارتقا دهد. انتخاب فیلم‌ها براساس چه معیارها و ارزش‌هایی صورت می‌گیرد. هیچ

آیا سکان برنامه «هفت» به دست مدیری می‌افتد؟

رشیدپور برای اجرای این برنامه نمی‌رود و بار دیگر نام مهران مدیری شنیده می‌شود. ارتباط مهران مدیری با تلویزیون از زمانی که بار دیگر به سریال‌سازی ادامه داد و «دورهمی» را اجرا کرد بهتر شد، هرچند که نام مدیری در این مدت از گزند حواشی متعدد در امان نبوده است، اما به نظر می‌رسد او یکی از گزینه‌های اصلی اجرای برنامه‌ای است که قرار است در طی برگزاری جشنواره فیلم فجر، میزبان بسیاری از اهالی سینما

برنامه بحث‌های بسیاری به راه انداخته است و نکته بسیار مهم در این میان شخصی است که در صندلی اجرای این برنامه تکیه خواهد زد. در آخرین خبرها از برنامه «هفت» شنیده می‌شود که رضا



۱۷ نمایش خیابانی در جشنواره تئاتر فجر

از «یک سوء تفاهم» تا «گیله‌دخت»

برای اجرا در این دوره از جشنواره فجر انتخاب شده است. تلویزیونی در حال پخش تیزری با موضوع رفع بی‌کاری است که مورد تمسخر مردم قرار می‌گیرد، اما کم‌کم مردم جذب شده و برایش کف می‌زنند، اگر چه در پایان مشخص می‌شود سهم مردم از ایجاد اشتغال، کولبری است و...

ویروس: این نمایش به نویسندگی و کارگردانی سعید خیراللهی، یکی دیگر از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره فجر انتخاب شده است. زندگی محمود از تولد تا جوانی و چگونگی زندگی تباه‌شده و مرگ ناخواست‌اش، توسط چند ویروس روایت می‌شود. **تندیس‌ی برای شهر:** این نمایش به نویسندگی و کارگردانی مختار محمدی، یکی دیگر از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره فجر انتخاب شده است. مردی برای میدان شهر مجسمه‌ای ساخته است، ولی نمی‌داند سر چه کسی را روی مجسمه قرار دهد.

مؤسسه کارایی: این نمایش به نویسندگی و کارگردانی الهه پورجمشید، یکی دیگر از آثاری است که برای اجرا در این دوره از جشنواره فجر انتخاب شده است. زن و مرد



علی‌رضا امیرحاجبی

روزنه آبی

نگاهی به نمایش یک زندگی بهتر نوشته مسعود هاشمی نژاد و کارشهاب حسین‌پور

از نو انسان شدن

سپیده صادقی

● از زمانی که هستی آغاز شد و انسان با به عرصه وجود گذاشت میل به بقا و ادامه زندگی همواره با او بوده است. البته در همه موجودات زنده این امر غریزی مشاهده می‌شود، اما انسان به خود می‌بالد چون اشراف مخلوقات نامیده شده است. فلسفیدن را آغاز کرد و راه‌هایی متمایز و انسانی برای حفظ خویش و تعریف زندگی به وجود آورد. بنابراین شاید بهتر است همیشه نگاهی به عقب بیندازیم و از نو انسان و مسائالش را تعریف کنیم. جنگ بی‌رحم و خشن است. امروزه در همه جای دنیا و در تمام فرهنگ‌ها و شاخه‌های هنری، از جمله تئاتر، سعی بر این است که این قساوت و سنگدلی را آشکار و تا حد امکان از آن پرهیز کنند. حتی در آمریکا که به‌اصطلاح ابرقدرت نامیده می‌شود با تئاترهایی همچون «کتاب مورمون» و «مسافران راه‌های دور» زشتی جنگ به تصویر کشیده می‌شود و انسان را به نوع‌دوستی و تعاملات مصالحه‌آمیز تشویق می‌کند.

پس چطور می‌شود مردی که به قصد دفاع از کشور و نجات جان هموطنانش می‌جنگد، در لحظاتی کوتاه و بحرانی وسوسه می‌شود و برای دورنگاه‌داشتن خود از آلودگی بمب شیمیایی، ماسک را از چهره هم‌رزم دیگری برمی‌دارد؟ فقط با این توجیه که او زخم بزرگی برداشته و بسیار به مرگ نزدیک است. برای سرنوشت او تصمیم می‌گیرد. این چنین می‌شود که نه فقط در رفتار با خانواده بزرگ جامعه بلکه در خانواده کوچک‌تر، یعنی همسر و فرزندان، نیز شکست می‌خورد. کابوس و عذاب چون سایه‌ای دمام دنبالش می‌کند و درجایی دیگر، در مشاجرات درون خانواده بار دیگر نیت غیرانسانی در سار دارد؛ هنگامی که می‌خواهد به فرزند بزرگ‌ترش به علت شکست و ناکامی حمله‌ور شود و با صدای زشتش لحظه‌ای به خود می‌آید. او که برای گذران زندگی در گوشه خیابان دستفروشی می‌کند و میان وسائالش قاب عکسی قدیمی از خود در جیبه به نمایش گذاشته که ماسک بر صورت دارد، نا‌خودگاه ما را به یاد پیرمرد خنرزپنزی مشکوک داستان بوف‌کور می‌اندازد. شاید سرد این نمایش هم از خیلی وقت پیش، یعنی از همان زمان جنگ، باورها و اعتقاداتش را بر داشتن همان ماسک فروخته بود. در قسمت دیگر داستان صادر را می‌بینیم که به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی خانواده، باز برای حفظ و ادامه زندگی صحنه نابودی همسرش را به دست فرزند فقط تماشا می‌کند و هنگامی که او با التماس یک لیوان آب می‌خواهد، باز مادر خود را تسلیم خواست فرزندان کرده و از دادن آب به همسرش خودداری می‌کند. بدیهی است که در چنین خانواده‌ای با این ریشه‌ها و بنیان اخلاقی و انسانی سست و ناپایدار فرزند بزرگ‌تر به کشوری دیگر می‌رود و سعی می‌کند تا هر چه می‌تواند خود را از این ریشه‌ها دور کند. اما این کار غیرممکن است. بسیار برایش دشوار است تا از این مهلکه جان سالم به در ببرد و به موفقیت دست یابد. بعد از سال‌ها بازی‌گردد و با خانواده‌ای مصیبت‌زده و وضعیتی فلاتک‌بار روبه‌رو می‌شود که چشم و بازگشت و نجات او دوخته‌اند. فرزند کوچک‌تر متأسفانه به بلوغ عقلی و فکری متاسب با سنش نرسیده و درعین‌حال تشکیل خانواده‌ای دیگر داده است. مدام در بحث و مشاجره با همسر جانش به سر می‌برد. با اینکه مشکلات بسیار اساسی‌تر و ریشه‌ای‌تر به نظر می‌آیند، آنها تنها حلال مشکلاتشان را بیول می‌بینند. در این ناپسانم‌ها و مشاجرات، هرکدام از شخصیت‌های داستان جداگانه خوابی تعریف می‌کنند که می‌توان گفت فقط یک خواب معمولی نیست. با تعریف این خواب‌ها می‌توان در شخصیت و اساس شکل‌گیری افکارشان دقیق‌تر شد. می‌توان فضایی را که چنین افرادی در آن پرورش یافته‌اند، به‌خوبی درک کرد.

شاید با گوش‌دادن به این خواب‌ها به‌خوبی متوجه فرهنگ و طبقه و کلاس خانوادگی و اجتماعی شخصیت‌ها می‌شویم. هر چند در مجال کوتاه نمایش نمی‌توان این جزئیات را تشریح کرد. ایده خواب‌ها میان‌پزی است که ما را به گوشه‌های پنهانی روزنی این شخصیت‌ها می‌برد. نوری که هنگام تعریف خواب، روی هر بازیگر متمرکز می‌شود توجه تماشاگر را بیشتر به او و حرف‌هایش جلب می‌کند تا لحظه‌ای چشماتمان را بندیم و خود را در دنیای خواب و آرزوهای آنان تصور کنیم. بدیهی است که در چنین آشفته‌بازاری، داستان پدر در میدان جنگ در اجتماع کوچک‌تر خانواده دوباره تکرار می‌شود و فرزندان به این بهانه که پدر ریه‌هایش مشکل دارد، می‌خواهند به‌مرضی‌اش دامن زده و از عواید حاصل از بیماری پدر استفاده کنند. هشتاد بسیار مهمی در نمایش وجود دارد که می‌گوید: کودکی به دنیا می‌آید. در این شرایط دشوار عروس خانواده باردار نیز هست؛ این یعنی بسیار مرقب‌باشید، اگر انسان دست از غفلت و سهل‌انگاری‌های خویش برندارد، زنجیره معیوب ارزش‌ها و عواطف انسانی در همه‌جا و در همه نسل‌ها ادامه می‌یابد. تماشاگر با دیدن این نمایش قطعا به خود می‌آید و درمی‌یابد که باید در خود و اجتماع کوچکی که می‌کند، در زندگی واقعی یعنی خانواده‌اش، تجدیدنظر کند. طراحی صحنه که مکان سرد و بی‌روح مرده‌شورخانه را نشان می‌دهد، یادآور مرگ است. مرگ انسان، ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی‌اش، در نتیجه اگر دست‌بکار نشویم همه ارزش‌ها و تعاریف انسانی نابود می‌شوند.